

مذهبی بودن والدین و کارکرد خانواده در جامعه پذیری مقابله مذهبی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۸/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۹

دکتر محمد علی مظاهری*

دکتر مهدیه صالحی**

دکتر ولی اله فرزاد***

فاطمه شهابی زاده****

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کارکرد خانواده به عنوان میانجی میزان مذهبی بودن هر والد و مقابله مذهبی می‌باشد. ۷۷۰ دانشجو به صورت چند مرحله ای از بین دانشگاه های تهران، مقیاس های مقابله مذهبی (۲۰۰۰)، مقیاس پیوستگی و انعطاف پذیری خانواده (۲۰۰۴) و میزان مذهبی بودن والد (۱۹۹۸) را تکمیل کردند، جهت تحلیل نتایج از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج نشان می دهد خانواده پیوسته منعطف و رهاشده آشفته ارتباط بین میزان مذهبی بودن پدر و مادر و مقابله مذهبی منفی و مثبت را میانجی گری می کند. همچنین میزان مذهبی بودن پدر اثر مستقیم بر مقابله مذهبی مثبت و میزان مذهبی بودن مادر اثر مستقیمی بر مقابله مذهبی منفی دارد. لذا نه تنها بررسی نقش میزان مذهبی بودن والدین در فهم استفاده از راهبردهای مذهبی مهم است، بلکه کارکرد خانواده در این ارتباط نقش مهمی ایفا می کند. نتایج از لحاظ فرضیه انطباقی و انطباق جامعه پذیری و کاربرد آن برای پژوهش های بعدی مورد بحث قرار گرفت.

واژه های کلیدی: میزان مذهبی بودن والد، ادراک دلبستگی دوران کودکی، مقابله مذهبی مثبت و منفی.

مقدمه

مذهب در ماهیت شناختی نوعی مقابله مذهبی است و نقش جدایی ناپذیری در مقابله افراد با حوادث ایفا می کند،

Email: M-salehi@iavctb.ac.ir

Email: V-farzad@yahoo.com

Email: f-shahabizade@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

** استادیار دانشگاه اسلامی واحد تهران مرکزی

*** دانشیار دانشگاه تربیت معلم

**** دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

به عبارتی مذهب و مقابله همگرا هستند، به خصوص زمانی که مذهب در زندگی فرد مهم است و با حوادث استرس‌زا مواجه می‌شود (فکس، ۲۰۰۱). مقابله مذهبی، منبع درونی جستجوی معنا در زمان استرس است که به رشد صمیمیت با خدا و دریافت مفهوم زندگی و کسب آرامش کمک می‌کند (پارگامنت، ۱۹۹۵؛ نقل از کالمن، ۲۰۰۶؛ گرنکوئیست، ۲۰۰۵). مذهب در زندگی روزمره و شرایط بحرانی اصول و چارچوبی ارایه می‌دهد که شامل جستجوی معنا، فهم و تفسیر حوادث، کنترل بر موقعیت استرس‌زا، کاهش دهنده هراس فردی، تسهیل پیوندهای اجتماعی و در نهایت کنار گذاردن ارزشها و ابژه‌های قدیمی و ناکارآمد است. روشهای مقابله مذهبی با توجه به اصول فوق به صورت دو قطب متضاد مثبت و منفی تعریف می‌شود که می‌تواند هم بی‌اثر شامل ارزیابی منفی از خدا به عنوان تنبیه‌کننده، خشم و شک و تردید در مورد قدرت خدا و نارضایتی معنوی و ... باشد (پارگامنت و دیگران، ۲۰۰۰) و هم مؤثر شامل به چالش کشیدن تبیین‌های علوم طبیعی و یافتن معنا و درک حوادث در مواجهه با بحران و تعریف مجدد عوامل استرس‌زا به عنوان فرصتی برای رشد معنویت باشد (پارگامنت، ۲۰۰۷؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). به طور کلی مذهب به عنوان سیستم مدیریتی تأثیر مهمی بر رفتارهای مقابله‌ای و بر نحوه تفسیر حوادث دارد (لاونتال، ۲۰۰۱؛ نقل از راجرز و لاونتال، ۲۰۰۳).

در طول دهه پیش‌چندین مطالعه (از جمله گرنکوئیست و هیجکول، ۱۹۹۹، ۲۰۰۱؛ گرنکوئیست، ۱۹۹۸؛ کرک پاتریک، ۱۹۹۷؛ سپاه منصور و دیگران، ۱۳۸۷) در ارتباط بین رابطه والد-کودک و مذهب، دو فرضیه انطباقی و انطباق جامعه‌پذیری را بررسی کرده‌اند. فرضیه انطباقی کرک پاتریک (۱۹۹۷) بیان می‌کند مدل‌های اساسی روابط دلبستگی اولیه و دلبستگی بزرگسال پایه تصورات از خدا و عقاید مذهبی می‌باشد. اما به دلیل اینکه فرضیه انطباقی توضیح نمی‌داد چرا بسیاری از افراد ایمن تحت تأثیر سطوح بالای مذهبی بودن والدشان مذهبی می‌شوند، فرضیه انطباقی جامعه‌پذیری (تجدیدنظر شده) توسط گرنکوئیست و هیجکول (۱۹۹۹) مطرح شد که بیان می‌کند کودک در شرایط دلبستگی ایمن، ارزشهای مذهبی والدین را یاد می‌گیرد و درونی می‌کند. لذا پژوهش حاضر به این سوال می‌پردازد که آیا طبق الگوی انطباق، کارکرد خانواده با مقابله مذهبی همخوان است و طبق الگوی جامعه‌پذیری، مقابله مذهبی ناشی از میزان مذهبی بودن والد بوده و با میانجی‌گری ساختار خانواده، راهبرد مقابله مذهبی جهت داده می‌شود. شایان ذکر است پژوهش حاضر به جای بررسی دلبستگی روابط دوتایی، الگوهای سیستمی و روابط چندتایی را مدنظر قرار می‌دهد و همچنین به جای میزان مذهبی بودن فرد که ممکن است حالت روتین پیدا کند، مقابله مذهبی که فرایندی شناختی و پویاست را مطالعه می‌کند.

السون (۱۹۹۰؛ نقل از السون، ۲۰۰۰) ماهیت خانواده را با توجه به جایگاه خانواده در هر یک از پیوستارهای دو بعد پیوستگی و انعطاف‌پذیری بررسی کرد. در کرانه بالای بعد پیوستگی (پیوند عاطفی)، خانواده گرفتار شده قرار دارد که ابراز تفکرات و احساسات بین والدین و کودک ناخوانده تلقی می‌شود. در کرانه پایین نیز خانواده رها شده که فاقد صمیمیت است قرار دارد. در کرانه بالای بعد انعطاف‌پذیری (تغییر متعادل ساختار قدرت، قوانین و نقش‌ها در موقعیت‌های حساس) که دارای تغییر زیاد قوانین، فقدان مدیریت و انضباط می‌باشد، خانواده آشفته قرار دارد و در کرانه پایین نیز خانواده سخت قرار دارد که تغییرات خیلی کم اتفاق می‌افتد و قدرت طلبی تک‌محورانه می‌باشد. خانواده به طور بالقوه بر عقاید و رفتارهای افراد تأثیر می‌گذارد (الدرو دیگران، ۱۹۹۸؛ نقل از مالدونادو فیلیسیانو، ۲۰۰۵). در این راستا مطالعه طولی کینگ و دیگران (۱۹۹۷؛ نقل از بریدجز و مور، ۲۰۰۲) نشان داد، نوجوانانی که مذهب بالایی داشتند همانند سازی قوی با والدینی که سطح مذهبی بالایی گزارش داده بودند، داشتند. اما به نظر می‌رسد علاوه بر نقش یادگیری مشاهده‌ای مذهب والد، کارکرد خانواده نقش مؤثری در رشد معنویت نوجوان داشته باشد (رینوس و باردت، ۲۰۰۷). مطالعه ماهانی (۲۰۰۵) نیز نشان داد بین خانواده سلطه‌گر و با

پیوستگی پایین و تصور منفی از خدا رابطه وجود دارد. مطالعات کیسر (۲۰۰۲)، پارگامنت (۱۹۹۷؛ نقل از اسچاتنبائتر و دیگران، ۲۰۰۶)، آمر (۲۰۰۵) و پارلکار (۲۰۰۵) نیز نشان دادند بین حمایت خانواده با مقابله مذهبی و رضایت مذهبی رابطه مثبت و بین بد عملکردی خانواده و مقابله مذهبی رابطه منفی وجود دارد. مگیار (۲۰۰۱؛ نقل از وارنر، ۲۰۰۶) نیز نشان داد ۸۸ درصد افرادی که ارتباط خود را با خدا قطع کرده بودند، تجربه شکست در عشق و روابط آسیب زایی با شریک خود گزارش دادند. در این راستا واندن هاوول (۱۹۸۵) بیان کرد سختی در ساختار ارتباطی خانواده با سخت بودن در ساختار عقاید مذهبی والد مرتبط است لذا نتایج مذکور می تواند تایید کننده فرضیه انطباقی می باشد. اما در حمایت از فرضیه انطباق جامعه پذیری، کروناول (۱۹۹۰؛ نقل از مکدونالد و دیگران، ۲۰۰۵)، سیزلو (۲۰۰۷)، رایبرن (۲۰۰۴؛ نقل از آرنولد، ۲۰۱۰) و شهابی زاده و دیگران (۱۳۸۵) بیان کردند خانواده صمیمی در انتقال و آموزش فاکتورهای مذهبی در رشد مذهبی نوجوان نقش مؤثری دارد و مذهب یک رفتار یاد گرفته شده می باشد. لذا به نظر می رسد انطباق جامعه پذیری مذهبی در ارتباط با کارکرد خانواده نیز صورت می گیرد، اگرچه در فرضیه انطباق جامعه پذیری گرنکوویست و هیجکول (۲۰۰۱) تنها نقش تاریخیچه دل بستگی بررسی شده بود. به هر حال حمایت و صمیمیت همراه با حفظ خود مختاری و صحبت کردن در مورد موضوعات مذهبی و شرکت در فعالیتهای مذهبی نسبت به مذهب والدین می تواند جامعه پذیری مذهبی را در فرزندان تسهیل کند (کینگ و دیگران، ۲۰۰۲؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). بر خلاف مطالعات مذکور، بعضی مطالعات، نقش خانواده را در رشد مذهبی نوجوانان حمایت نکرده است (هاج و الکساندر، ۲۰۰۲؛ پی فارن؛ ۲۰۰۷؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). به هر حال مطالعات اندکی نقش مدل سیستمی خانواده را در ارتباط با مقابله مذهبی بررسی کرده است. به نظر می رسد یکی از عوامل موثر بر کارکرد خانواده، سطوح مذهبی والد باشد. بامپوس (۲۰۰۱؛ نقل از بریدجز و مور، ۲۰۰۲) نشان دادند مذهب والدین با کمترین تعارضات و به طور مثبت با پیوستگی و انسجام خانواده تداعی می شود. به هر حال رفتارهای مذهبی و دعا به عنوان یک روش خود درمانگری در طول تعارض است که باعث افزایش عملکرد خانواده می شود. اما در مطالعات مذکور به اهمیت نقش ساختار فعلی خانواده اشاره نشده است. به هر حال به نظر می رسد مذهب والد به طور مستقیم بر مقابله مذهبی تاثیر نمی گذارد احتمالاً کارکرد خانواده می تواند میانجی گر این ارتباط است. در مجموع هر چند در مطالعات مذکور تنها همبستگی مرتبه صفر بین متغیرها بررسی شده بود. به هر حال این سوال مطرح می شود که آیا مدل سیستم خانواده (روابط چند تایی) می تواند تبیین کننده فرایند انطباق باشد. مطالعه حاضر با روش مدل یابی معادلات ساختاری، با بررسی نقش میانجی - گری کارکرد خانواده در پیش بینی مقابله مذهبی با توجه به میزان مذهبی بودن والد در جهت تبیین نمودن تناقض مطالعات گذشته و اهمیت فرضیه انطباقی انجام شد.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی بود که مجموعه ای از معادلات رگرسیون چند متغیری در مدل یابی معادلات ساختاری به گونه همزمان مورد ارزیابی قرار گرفت. در پژوهش حاضر جهت بررسی نقش میانجی گری کارکرد خانواده در ارتباط بین میزان مذهبی بودن والد و مقابله مذهبی از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی و مدل یابی معادلات ساختاری از طریق نرم افزار لیزرل استفاده شد. جامعه آماری، تمامی دانشجویان مجرد دوره کارشناسی سنین ۱۸-۲۴ سال دانشگاه های تهران در سال ۸۹ بودند. بر پایه پیشنهاد جیمز استیونس در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چند گانه با روش کمترین مجذورات استاندارد مناسب است، بنابراین،

تعداد ۱۵ مورد به ازای هر متغیر اندازه گیری شده غیر منطقی نیست (هومن، ۱۳۸۴). لذا حجم نمونه مناسب با احتمال ریزش ۵ درصدی به صورت نمونه گیری چند مرحله ای در ۴ دانشگاه انتخاب شد و در مرحله بعد نیز به صورت تصادفی در چند دانشکده و چند کلاس پرسشنامه ها در بین دانشجویان داوطلب توزیع شد، جهت تشویق افراد برای شرکت در پژوهش، برای هر شرکت کننده هدیه ای در نظر گرفته شد. در بین ۷۷۰ نمونه دانشجوی، ۶۱۷ مرد (۸۰/۱٪) و ۱۵۳ دانشجوی زن (۱۹/۹٪) با میانگین سنی ۲۰/۷۱ سال شرکت داشتند.

مقیاس میزان مذهبی بودن والدین: آزمون گرنکوئیست (۱۹۹۸) میزان مذهبی بودن والدین را در طول دوران کودکی پاسخ دهنده بر اساس ۸ آیت (مقیاس ۷ درجه ای) برای هر والد ارزیابی می کند. هماهنگی درونی در هماهنگی کروناخ برای هر والد در ۸ آیت ۰/۹۲ به دست آمد. در پژوهش شهابی زاده و دیگران (۱۳۸۵) به منظور محاسبه همسانی درونی، این آزمون بر روی ۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی اجرا شد. هماهنگی درونی در همبستگی کروناخ برای پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۸۹ به دست آمد. میزان همبستگی بین نمرات دو بار اجرای آزمون برای پدر و مادر نیز به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۵ شد. در مطالعه حاضر هماهنگی درونی کروناخ برای هر از میزان مذهبی بودن پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۹ به دست آمد که حاکی از اعتبار مقیاس است. و تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که عامل میزان مذهبی بودن پدر و مادر به ترتیب ۵۲/۴۵ درصد ۱۳/۲۷ درصد (و در مجموع ۶۵/۷۲ درصد) از کل واریانس میزان مذهبی بودن والد را تبیین می کند. نتایج مجذور کای غیر معنادار شد و شاخص های برازندگی CFI، NFI، GFI، IFI و NNFI به ترتیب، ۱، ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۱ و ۰/۹۹ بدست آمد که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده ها می باشد.

مقیاس پیوستگی و انعطاف پذیری نسخه ۴-FACES-IV: مقیاس پیوستگی و انعطاف پذیری خانواده نسخه ۲ و ۳ تنها ۲ بعد پیوستگی و انعطاف پذیری را اندازه گیری می کند (السون، ۲۰۰۰)، اما مقیاس حاضر (السون و دیگران، ۲۰۰۴؛ فرانکلین و دیگران، ۲۰۰۱) ابعاد خانواده متعادل و ابعاد خانواده نامتعادل (گرفتارشدگی و رها شدگی از ابعاد پیوستگی و همچنین آشفته و سخت، از ابعاد انعطاف پذیری) را در ۶ مقیاس و هر کدام با ۷ گویه (جمعا ۴۲ گویه) ارزیابی می کند. آنها پایایی هر ۶ بعد رها شده ۰/۸۷، گرفتار شده ۰/۷۷، سخت ۰/۸۳، آشفته ۰/۸۵، پیوسته ۰/۸۹ و انعطاف پذیر را ۰/۸۰ گزارش دادند. تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین نیز همین ابعاد را نشان داد. لازم به ذکر است پایایی هر بعد مقیاس مذکور در مطالعه شهابی زاده (۱۳۸۷) بیش از ۰/۷ گزارش شد. در مطالعه حاضر هماهنگی درونی در همبستگی کروناخ برای هر الگوی خانواده رها شده آشفته، پیوسته انعطاف پذیر و گرفتار شده سخت به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۷ و ۰/۷۱ به دست آمد که حاکی از اعتبار مقیاس می باشد. تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین بعد از حذف چند گویه که در عامل های نهم خوان بار داشتند، ساختار ساده ۳ عاملی را نشان داد که عامل های رها شده آشفته، پیوسته انعطاف پذیر و گرفتار شده سخت به ترتیب ۳۸/۰۷ درصد، ۸/۱۲ درصد و ۵/۴۰ درصد (و در مجموع ۵۱/۶۰ درصد) از کل کارکرد خانواده را تبیین می نمود. نتایج نسبت مجذور کای به درجه آزادی براساس ۱/۹ و دیگر شاخص های برازندگی CFI، NFI، GFI، IFI و NNFI نیز به ترتیب، ۰/۹۵، ۰/۹۱، ۰/۹۰، ۰/۹۵ و ۰/۹۴ بدست آمد که حاکی از برازش مدل و روایی سازه است.

مقیاس مقابله مذهبی: مقابله مذهبی مثبت پارگامنت و دیگران (۲۰۰۰) (۳۰ گویه) شامل ارزیابی خیرخواهانه مذهب، راهبرد تشریک مساعی و ... می باشد. نسخه اصلاح شده مقابله مذهبی منفی ۱۸ گویه ای توسط پارگامنت، مگیار، و بنور و ماهانی در سال ۲۰۰۵ طراحی شد که شامل خدای تنبیه کننده و شک و تردید نسبت به قدرت و ویژگیهای خداوند و ... می باشد، همخوانی درونی مقابله مذهبی مثبت و منفی (بر اساس مقیاس ۵ درجه ای) به ترتیب برابر ۰/۹۰ و ۰/۸۷ شد. پرسشنامه ذکر شده پس از تطبیق دو متن انگلیسی (اصلی و ترجمه فارسی به

انگلیسی) به دست آمد. در مطالعه حاضر هماهنگی درونی کروبنخ مقابل مذهب مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ شد که حاکی از پایایی بالای مقیاس می باشد. تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین و بعد از حذف چند گویه که از لحاظ محتوا در عامل های ناهمخوان بار داشتند، ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که مقابل مذهب مثبت و منفی به ترتیب ۳۹/۵۲ درصد و ۱۱/۱۳ درصد (و در مجموع ۵۰/۶۶ درصد) مقابل مذهب را تبیین می کرد. نتایج نسبت مجذور کای به درجه آزادی برابر ۱/۴ و دیگر شاخص های برازندگی IFI، GFI، NFI، CFI و NNFI نیز به ترتیب، ۰/۹۶، ۰/۹۱، ۰/۹۱، ۰/۹۶ و ۰/۹۶ بدست آمد، که حاکی از برازش مناسب مدل با داده ها است.

یافته ها

به منظور تبیین مقابل مذهب بر پایه مدل معادلات ساختاری می توان فرضیه های مربوط به روابط علی بین متغیرها را آزمون کرد. مفروضه های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه بررسی شد. الف) اندازه گیری متغیرها در سطح فاصله ای: هومن (۱۳۸۴) مطرح می سازد اگر تعداد طبقه های رتبه ای ۵ یا بیشتر باشد، احتمال الای می توان با آنها (البته با کمی خطا) مانند داده های فاصله ای رفتار کرد. البته جهت اطمینان مبنی بر عدم کجی و کشیدگی شدید داده ها، روش سرند کردن داده ها نشان داد توزیع متغیرها نزدیک به نرمال است. ب) یکسانی پراکندگی متغیرهای درون زله به گونه کلی یکسان نبون پراکندگی رگرسیون های چند متغیری مدل های لیزرل را ناروا نمی سازد، بلکه آنها را ضعیف می کند (پدهازر، ۱۹۸۲؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴)، زیرا روش های رگرسیون های چند متغیری از جمله بیشینه احتمال، نسبت به تخطی از نرمال بودن توزیع جمله های خطا مقاوم می باشد. اما حجم نمونه بزرگ اجازه می دهد که بخشهای بحرانی t به سمت توزیع چند متغیری نرمال نزدیک شود (هومن، ۱۳۸۴). با توجه به این که حجم نمونه مطالعه حاضر تا حدی بزرگ می باشد، می توان به برقراری این مفروضه اطمینان کرد. پ) کم بودن هم خطی چند گانه متغیرهای برونزا: بنا بر نظر بسیاری از صاحب نظران (آشر، ۱۹۸۳ و بری و فلد من، ۱۹۸۵؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴) همبستگی های بالاتر از ۰/۸ بین متغیرهای برون زا بیانگر هم خطی بودن چند گانه است. نتایج حاصل از محاسبه ضرایب همبستگی در جدول ۱ نشان می دهد، مفروضه کم بودن همخطی چند گانه بر قرار است. چرا که تقریباً ضرایب همبستگی بین اکثر متغیرهای پژوهش، رابطه معنادار متوسط یا پایینی را نشان می دهد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین مذهبی بودن والد، کارکرد خانواده و مقابل مذهب

متغیر	میزان مذهب		کارکرد خانواده		مقابل مذهب	
	مادر	پدر	پدر	پیوسته منعطف	رهاشده آشفته	گرفتار سخت
مذهب مادر	1					
مذهب پدر	**۰/۵۹	۱				
پیوسته انعطاف	**۰/۱۵	**۰/۱۶	۱			
رهاشده آشفته	/۱۲	**۰/۱۵	**۰/۰۷	۱		
گرفتار شده سخت	**۰/۰۲-	۰۰۰	**۰/۱۶-	**۰/۳۵	۱	
مقابل مذهب مثبت	**۰/۲۱	**۰/۲۲	**۰/۰۲	**۰/۲۳-	-/۰۵	۱

مقابلۀ منفی	**۰/۲	**۰/۱۹	**۰/۲۲	**۰/۲۶	*۰/۱	**۰/۵۵	۱
میانگین	۴/۵۳	۴/۱	۵	۲/۵۹	۳/۱۸	۲/۵	۴
انحراف استاندارد	۱/۱۹	۱/۴۲	۱/۱۵	۱/۱۴	۰/۹۸	۰/۸	۵

*معناداری در سطح ۰/۰۵ **معناداری در سطح ۰/۰۱

قابل ذکر است پس از مقایسه گویه های عامل بندی شده بر پایه تحلیل عاملی و مبانی نظری، برای هر عامل تعداد ۴ گویه که دارای بیشترین بار عاملی بود به عنوان نشانگر در نظر گرفته شد. به هر حال در مرحله اول : نقش متغیر برون زای سطوح مذهبی والد و متغیر میانجی گر کارکرد خانواده بر مقابلۀ مذهبی بررسی شد . مرحله دوم : جهت تبیین نقش میانجی گر، نخست باید مطمئن بود که رابطه مستقیم بین دو متغیر پیش بین و ملاک از لحاظ آماری معنادار است لذا در مدلی نقش مستقیم متغیر برون زا را بدون حضور متغیر میانجی گر بررسی شد . چنان که مسیری که در مدل مذکور معنادار است اما در مدل مرحله اول با حضور متغیر سوم معناداری خود را از دست بدهد، متغیر پیش بین دوم حکم میانجی گر دارد (بارون و کنی (۱۹۸۶؛ نقل از توکار و دیگران، ۲۰۰۳).

نمودار مسیر مربوط به مدل میانجی گری کارکرد خانواده در شکل ۱ و شاخص های برازش آن در جدول ۲ نشان داده شده است (عامل گرفتار شده سخت به دلیل مسیر های غیر معنادار مدل حذف شد). نتایج مقدار مجذور کای نشان داد مدل در سطح ۰/۰۵ ($p=0$) غیر معنادار است که نشان دهنده برازش مناسب داده ها با مدل است. نسبت مجذور کای (۳۱۹/۴) به درجه آزادی (۲۸۵) نیز ۱/۱ شد که مطابق با ملاک های پیشنهادی باینر (۱۹۸۹، نقل از هومن، ۱۳۸۴) عدد کمتر از ۲ را نشان داد. شاخص های $AGFI$ ، GFI ، IFI ، CFI نیز قابل ملاحظه و بیش از ۰/۹ بدست آمد (بتلر و بونت، ۱۹۸۰؛ هوپل و پاتر، ۱۹۹۵؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴) لذا می توان استنباط کرد مدل با داده ها برازش خوبی دارد. ریشه دوم واریانس خطای تقریب $RMSEA$ نیز برابر ۰/۰۱۶ و کمتر از ۰/۰۶ شد (هیو و بتلر، ۱۹۹۹؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴) که می توان نتیجه گرفت درجه تقریب مدل در جامعه بزرگ نیست (براون و کادک؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص $ECVI$ نیز ۰/۹۲ و کمتر از مقدار مدل اشباع شده (۱/۴۳) بوده و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است (جورسکاگ و سوربوم، ۱۹۸۴؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴).

جدول ۲: شاخص های برازندگی مدل تبیین مقابلۀ مذهبی بر پایه میزان مذهبی بودن والد و کارکرد خانواده

	RMSEA	ECVI	IFI	AGFI	NFI	GFI	NNFI	CFI
	۰/۹۲	۰/۰۱۶	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۵ (۰/۸۵ و ۱/۰۲)	۰/۹۵	(۰/۰۰۰ و ۰/۰۲۴)
۳۱	۱۸		۱۲	۷		۰/۶۹	۰/۵۶	۰/۶۸
	۰/۷۴		۷	۵		۰/۷۸	۰/۱۳	۰/۷۶
								۰/۸۶
۸	۰/۸۶	-۰/۲۳		۲۳		۰/۷۳	۰/۶۳	۲۶

۲۸	۴۰	۱	۰/۷۵	-۰-/۲۵	۰-/۲۷
					۰/۷۳
۴	۰/۸۸	-۰-/۱۹	-۰-/۱۷	۰/۳۲	۰/۸۰
					۰/۷۶
۰/۷۸	۱۷	۰/۷۳	۰/۷۰	۷	۹
					۰/۷۲
۲۰	۵	۳۴	۲۹	۰/۷۵	۰/۷۱
					۲۶
					۲۳

شکل ۱: ضرایب استاندارد شده مسیر های مدل مقابله مذهبی بر پایه میزان مذهبی بودن والد و کارکرد خانواده

علاوه بر این طبق جدول ۳، مقدار مجذور همبستگی چندگانه برای مقابله مذهبی مثبت و منفی به ترتیب ۱۴ و ۱۲ درصد بدست آمد که با درصد قابل ملاحظه ای واریانس مقابله مذهبی تبیین می شود.

جدول ۳: درصد های تبیین مدل میزان مذهبی بودن والد و کارکرد خانواده بر مقابله مذهبی

مقابله منفی	مقابله مثبت	رها شده آشفته	پیوسته انعطاف پذیر
۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۳۰	۰/۰۱۶

همان طور که شکل ۱ نشان می دهد میزان مذهبی بودن مادر و پدر به طور مستقیم به ترتیب بر پیش بینی مقابله مذهبی منفی و مثبت نقش دارد و ادراک خانواده پیوسته منعطف و رها شده آشفته نیز مسیر معناداری با مقابله مذهبی منفی و مثبت نشان داد. به منظور درک روشن تر نقش میانجی گری کارکرد خانواده، مدل جداگانه ای نقش مستقیم میزان مذهبی بودن والد را بر مقابله مذهبی بدون حضور متغیر میانجی گری بررسی کرد، شاخص های برآورد مدل در جدول ۴ برازش مناسب مدل بل داده ها را نشان می دهد. نتایج آن (جدول ۵) مسیر معنادار میزان مذهبی بودن والد را با مقابله مذهبی مثبت و منفی مشخص می کند، البته در مدل میانجی گری شکل ۱ با حضور متغیر خانواده رها شده آشفته مسیر مذهب مادر به مقابله مثبت غیر معنادار شد که نشان می دهد خانواده رها شده آشفته میانجی گر رابطه بین مذهب مادر و مقابله مذهبی مثبت است. مسیر مستقیم مذهب پدر به مقابله منفی نیز غیر معنادار شد که نشان می دهد خانواده پیوسته منعطف میانجی گر است. جدول ۵ مدل مستقیم و اثرات مستقیم و نقش میانجی گر کارکرد خانواده در نقش میزان مذهبی بودن والد را بر مقابله مذهبی نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود مذهب پدر بیشترین سهم را در پیش بینی مقابله مثبت و مذهب مادر بیشترین سهم را در پیش بینی مقابله منفی دارد.

جدول ۴: شاخص های برازندگی مدل اثرات مستقیم میزان مذهبی بودن والد بر مقابله مذهبی

RMSEA	ECVI	IFI	AGFI	GFI	NFI	NNFI	CFI
۰/۳۱	۰/۰۲۲	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۹
				(۰/۲۸ و ۰/۳۷)		(۰/۰۰۰ و ۰/۰۳۵)	

جدول 5: برآورد ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم مدل مقابله مذهبی و اثرات غیر مستقیم مدل (با واسطه کارکرد خانواده)

میزان مذهبی بودن والد بر مقابله مذهبی (با واسطه کارکرد خانواده)		مدل اثرات مستقیم بر مقابله مذهبی				مسیر از مذهب والد
		مثبت غیر مستقیم (مستقیم)	مثبت غیر مستقیم (مستقیم)	منفی	مثبت	
اثر کل	منفی غیر مستقیم (مستقیم)	اثر کل	مثبت غیر مستقیم (مستقیم)	منفی	مثبت	میزان مذهبی بودن مادر
-۰/۱۹	(-۰/۱۹)	۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۲۵	۰/۱۷	میزان مذهبی بودن پدر
-۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۲۳	(۰/۲۳)	-۰/۱	۰/۱۴	

بحث

همان طور که مدل نشان می دهد سطوح بالای مذهبی بودن پدر منجر به افزایش پیوستگی و انعطاف پذیری خانواده و سطوح پایین مذهبی مادر منجر به افزایش رهاشدگی آشفته بودن خانواده می شود. مطالعات متعددی در حمایت از یافته فوق از جمله بامپوس (۲۰۰۱؛ نقل از بریدجز و مور، ۲۰۰۲)، گرنکوئیست و دیگران (۲۰۰۷)، گرنکوئیست و دیگران (۲۰۱۰) و هیگین باتهام و دیگران (۲۰۰۷) نشان دادند مذهب والدین با کمترین تعارضات و ارتقای عملکرد خانواده تداعی می شود. به نظر می رسد مذهب با ایجاد دیدگاه مقدس و متمایزی نسبت به عوامل دیگر نقش مهم و قوی در شکل دهی فرایندهای اجتماعی و روانشناختی بازی می کند (دوریز و دیگران، ۲۰۰۴). به عبارتی، سطوح پایین مذهبی بودن والدین باعث ارزش قائل نشدن و مقدس نشمردن روابط عاطفی با دیگران می شود (ماهانی و دیگران، ۲۰۰۱). در خانواده هایی که والدین مذهبی هستند فرصتی فراهم می شود تا فرزندان در فعالیتهای مذهبی ساعاتی را با هم سپری کنند (دعا و...) و این در پیوستگی بین اعضای خانواده نقش مهمی ایفا می کند. در این خانواده ها کمترین تعارضات تجربه می شود و منجر به افزایش همخوانی در ایجاد قوانین و عمل به قوانین می شود. (برود و دیگران، ۱۹۹۶؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). البته بایستی در آینده بررسی شود که آیا مذهب به طور غیر مستقیم از طریق تاریخچه دلبستگی و یا مستقیم کارکرد فعلی خانواده را بهبود بخشد.

در مدل حاضر مسیرهای کارکرد خانواده و مقابله مذهبی معنادار شد، یعنی خانواده رهاشده آشفته پیش بینی کننده مقابله مذهبی مثبت و خانواده پیوسته منعطف پیش بینی کننده مقابله مذهبی منفی به دست آمد. مطالعات نیز نشان داده است عدم صمیمیت والدین منجر به سرکشی و سردرگمی مذهبی شود (ویلسون و شرکات، ۱۹۹۴؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). در این راستا آمر (۲۰۰۵) نیز نشان داد بین بد عملکردی خانواده و مقابله مذهبی رابطه منفی وجود دارد. احتمالاً فرضیه انطباقی می تواند نتایج مذکور را تبیین کند، خانواده های رها شده یاد گرفته اند منبع حمایتی وجود ندارد لذا در برابر مشکلات نیز حمایت خدا را نیز ادراک نمی کنند و کمتر در برابر رویدادها به خدا پناه برده و رویکرد منفعلی در پیش می گیرند، لذا این افراد بیشتر از مقابله مذهبی منفی و کمتر از راهبرد مذهبی مثبت استفاده کنند قابل توجه می باشد پیوستگی اعضای خانواده نیز با ادراک حمایت و اعتم به خدا همراه می شود که کاهش مقابله مذهبی منفی را در بر می گیرد. محیط خانواده مثبت باعث رشد راهبردهای مقابله ای مثبت در فرزندان می شود، اما در خانواده هایی با کارکرد ضعیف، نوجوان آموزش استفاده از راهبردهای مقابله ای مؤثر را نمی بیند (ویلز و دیگران، ۱۹۹۲؛ نقل از بریچینگ، ۲۰۰۴). البته شایان ذکر است آموزش ارزشهای مذهبی وابسته به مذهبی بودن خود والد می باشد. به هر حال به نظر می رسد متغیر دلبستگی ایمن به خدا بایستی به طور مستقیم منجر به افزایش مقابله مذهبی مثبت شود که در آینده بایستی بررسی شود، چرا که پایه ایمن و پناهگاه مطمئن مقابله با مشکلات (مقابله مذهبی) کارکرد دلبستگی به خدا می باشد (مینر و قباری، ۲۰۰۹).

مدل حاضر همچنین نشان داد مسیر مستقیم میزان مذهبی بودن مادر با کاهش استفاده از مقابله مذهبی منفی و مسیر میزان مذهبی بودن پدر با افزایش استفاده از مقابله مذهبی مثبت معنادار است که نشان دهنده اهمیت ارزش های مذهبی والد می باشد. دی روس و دیگران (۲۰۰۱) نیز اهمیت نقش مذهب والد بر رشد مذهبی فرزند را نشان دادند. به عبارتی، طبق مفاهیم تئوری شناختی اجتماعی باندورا، والدین مذهبی در بحران ها از مقابله مذهبی استفاده می کنند و از طریق یادگیری مشاهده ای، عقاید و رفتارهای مذهبی والد، به فرزندان منتقل می شود (کینگ و روسر، ۲۰۰۹) و شکل گیری شناختهای مذهبی و مقابله مذهبی در نوجوان تسهیل می شود (ماهانی و دیگران، ۲۰۰۱). هرچند نقش عوامل شناختی (اسپیلکا و دیگران، ۱۹۸۳؛ نقل از دی روس و دیگران، ۲۰۰۱).

لازم به ذکر است با میانجی گری کارکرد خانواده، مسیر مستقیم سطوح مذهبی پدر و مقابله منفی و همچنین سطوح مذهبی مادر و مقابله مثبت غیر معنادار می شود، لذا حضور صرف سطوح مذهبی والد نمی تواند پیش بینی کننده مقابله مذهبی باشد. طبق فرضیه انطباقی کرک پاتریک (۱۹۹۷) می توان استنباط کرد آشفتگی در ساختار ارتباطی خانواده با عدم پایبندی به اصول مذهبی و آشفتگی در ساختار عقاید مذهبی خدا و همچنین رهاسدگی در روابط بین اعضای خانواده با اجتناب و ارتباط ضعیف با خدا مرتبط می باشد که استفاده از مقابله منفی را موجب می شود. در راستای حمایت فرضیه انطباق جامعه پذیری گرنکوویست (۲۰۰۲)، مدل حاضر نشان داد خانواده پیوسته انعطاف پذیر میانجی گر رابطه بین سطوح بالای مذهبی بودن پدر و کاهش مقابله مذهبی منفی می باشد. در تایید مطالعه حاضر زو (۲۰۰۸؛ نقل از ریچ و دیگران، ۲۰۱۰) و جانسون (۲۰۰۱؛ نقل از هاجز و دیگران، ۲۰۰۶) جامعه پذیری مقابله معنوی را تأیید کردند. لذا کیفیت روابط اعضای خانواده کلید فرایند جامعه پذیر ی مذهبی است (کینگ و فارو، ۲۰۰۴؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). روابط گرم و صمیمی خانواده با انطباق بالای عقاید مذهبی فرزند و عقاید والدین مرتبط می باشد و پذیرش والدین (اعتماد و...) در جامعه پذیری عقاید و رفتارهای مذهبی از والدین به فرزندان تأثیر بسیاری دارد (بلو و دیگران، ۱۹۹۹؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). به هر حال والدین مذهبی بیشتر در فعالیتهای مذهبی با دیگر اعضا شرکت کرده و این سطح پیوستگی و انعطاف پذیری و رضایت مندی روابط را ارتقا می بخشد و شاید باعث پذیرش بهتر مقابله مذهبی والدین در نوجوان می شود (توماس و نپزی، ۲۰۰۶؛ نقل از کینگ و روسر، ۲۰۰۹). در مجموع به نظر می رسد پیوستگی والدین مذهبی باعث پذیرش و اعتماد به ارزش های مذهبی والد و انعطاف پذیری والدین نیز باعث دادن فرصت اکتشاف در جهت کسب اطلاعات و درک ارزش های مذهبی می شود، در نتیجه یک جامعه پذیری هشیارانه (پذیرش ارزشهای مذهبی همراه با درک و فهم ارزش های مذهبی) صورت می گیرد و باعث می شود در شرایط بحرانی از راهبرد های مذهبی مثبت استفاده کند.

افزون بر این طبق فرضیه جامعه پذیری مذهبی گرنکوویست (۲۰۰۲)، فرزندان در خانواده های مذهبی با درجات پایین رهاسدگی و آشفته بودن بهتر قادر هستند به ارزشهای مذهبی والد اعتماد کنند و آن را بپذیرند و در برابر حوادث از مقابله مذهبی مثبت استفاده کنند. از سوی دیگر مسیر سطوح پایین میزان مذهبی بودن والد، افزایش رهاسدگی و آشفتگی خانواده همراه با کاهش مقابله مذهبی منفی طبق تئوری یادگیری باندورا نشان می دهد، والدین غیر مذهبی در خانواده رهاسده آشفته منجر به عدم یادگیری اصول مذهبی و استفاده از آن در وجه با بحران می شود. در مجموع در شرایط داشتن خانواده رهاسده آشفته، میزان مذهبی بودن مادر نمی تواند به طور مستقیم مقابله مذهبی مثبت را افزایش دهد بلکه با کاهش رهاسدگی و آشفتگی خانواده، مقابله مذهبی مثبت افزایش می یابد. با توجه به آنچه آمد مقابله مذهبی به تنهایی ناشی از یادگیری مشاهده ای رفتار مذهبی والد نیست، بلکه با توجه فرایند انطباق و انطباق جامعه پذیری تحت تاثیر کارکرد خانواده نیز قرار می گیرد.

منابع

- سپاه منصور، مژگان . شهابی زاده، فاطمه . خوشنویس، الهه . (۱۳۸۷) ادراک دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا . فصلنامه روانشناسان ایران، سال چهارم و شماره ۱۵ و بهار ۸۷.
- شهابی زاده، فاطمه . شهیدی، شهریار . مظاهری، محمد علی . (۱۳۸۵) ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی فصلنامه انجمن ایران روانشناسی سال دهم، شماره ۴، زمستان ۸۵ ص ۴۴۰-۴۲۲
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، انتشارات سمت.
- **Amer, M. M. (2005).** Arab American Mental Health in the Post September 11 Era: Acculturation, Stress, and Coping, *A Dissertation to the University of Toledo for the Doctor of Philosophy in Psychology*. May 2005. Pp 201.
- **Arnold, S. (2010).** Spirituality and Counseling: Who Needed, *A Dissertation to the Counselor Education, Winona State University, for the degree of Master*. Spring 2010.
- **Bridges, L. J., & Moore, K. A. (2002).** Religion and Spirituality in Childhood and Adolescence, *Child Trends*.
- **Brechting, E. H. (2004).** Family Environment and Substance Use in Adolescent Males, *A Dissertation to the University of Kentucky for the degree of Master of Science in the College of Arts and Sciences*.
- **Cullman, E. P. (2006).** Attachment to Parent and Peers as A Moderator of The Relation Between Parent/Peer Religious Coping and Adolescent Religious Coping. Ph.D , *Graduate College of Bowling Green State University*.
- **De Roos, S.A., Iedema, J. & Miedem, A.S. (2001).** Young children's descriptions of God: influences of parents' and teachers' God concepts and religious denomination of schools, *Journal of Beliefs & Values*, 22, pp.19-30.
- **Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004).** Personality, Identity Styles, and Religiosity: An Integrative Study Among Late Adolescents in Flanders (Belgium), *Journal of Personality*, vol, 72. No, 5. 877-908.
- **Fox, R. B. (2001).** Religious Identity, Religious Practices, and Spiritual Coping in Adults Undergoing Treatment for Cancer. Ph.D., *University of Kansas*, 2001, 117 pages; AAT 3029134.
- **Franklin, C., Streeter, C. L., Springer, D. W. (2001).** Validity of the FACES IV Family Assessment Measure. *Research on Social Work Practice*, Vol. 11 No. 5, 576-596.
- **Granqvist, P. (1998).** Religiousness and perceived childhood attachment: On the question of compensation or correspondence. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37, 350-367.
- **Granqvist, P., & Hagekull, B. (1999).** Religiousness and perceived childhood attachment: Profiling socialized correspondence and emotional compensation. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 38, 254-273.
- **Granqvist, P., Hagekull, B. (2001).** Seeking Security in the New Age: On

Attachment and Emotional Compensation. *Journal for the Scientific Study of Religion*, Volume 40, Number 3, September 2001 , pp. 527-545(19).

- **Granqvist, P. (2002).** Attachment and Religion: An integrative developmental framework: *Comprehensive Summaries of Uppsala Dissertations from the Faculty of Social Sciences* 116. 94 pp. Uppsala. ISBN 91-554-5255-8.

- **Granqvist, P. (2005).** Building a bridge between attachment and religious coping: tests of moderators and mediators. *Mental Health, Religion & Culture*, 8(1): 35–47.

- **Granqvist, P. Ivarsson T., Broberg, A. G. & Hagekull, B. (2007).** Examining Relations Among Attachment, Religiosity, and New Age Spirituality Using the Adult Attachment Interview, *Journal of Developmental Psychology*. Washington: May, Vol. 43, Iss, 3. pg. 590.

- **Granqvist, P., Mikulincer, M., & shaver, P. R. (2010).** Religion as Attachment: *Normative Processes and Individual Differences*, February 2010; vol. 14, 1: pp. 49-59.

- **Higginbotham, B. J., Ketring, S. A. Hibbert, J., Wright, D. W., & Guarino, A. (2007).** Relationship Religiosity, Adult Attachment Styles, and Courtship Violence Experienced by Females. *J Fam*, Vol. 22:55–62.

- **Hughes, D., Rodriguez, J., Smith, E. P., Johnson, D. J., Stevenson, H. C., & Spicer, P. (2006).** Parents' Ethnic–Racial Socialization Practices: *A Review of Research and Directions for Future Study*, *Developmental Psychology*, Vol.42, No.5, 747–770.

- **Kaiser, L. M. (2002).** Ethnicity, Religious Coping and Post-Disaster Support as Predictors of Posttraumatic Stress Disorder in Children and Adolescents, *A Dissertation to the Faculty of VPI & SU in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in Psychology*.

- **king, P. E., & Roeser, R. W. (2009).** The Role of Religion and Spirituality in Adolescents' Lives: *Demographic Trends*. pp 435-478.

Kirkpatrick, L.A. (1997). A longitudinal Study of Changes in Religious Belief and Behaviour as Function of Individual Differences in Adult Attachment Style. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 36:207-217

- **McDonald, A., Beck, R. & Norsworthy, L. (2005).** Attachment to God and Parents: Testing the Correspondence vs. Compensation Hypotheses. *Journal of Psychology and Christianity*, Vol. 24, No. 1, 21-28.

- **Mahoney, A. , Paragmet, K., Swank, A. M., & Swank, N. M. (2001).** Religion and the Sanctification of Family Relationships, Bowling Green State University, *Manuscript resubmitted to Review of Religious Research*, as of September 10.

- **Maldonado Feliciano, L.E. (2005).** Coping, Social Support, , Biculturalism, and, Religious Coping as Moderators of the Relationship Between Occupational Stress and Depressive Affect Among Hispanic Psychologists, *A Dissertation to the Graduate School of the University of Maryland for the degree of Doctor of philosophy*.

-**Miner, M., & Ghobary Bonab, B. (2009).** Attachment to God in Christian and Muslim Communities: Foundational for Human Flourishing? The Global Spiral, *A Publication of Metanexus Institute*. <http://www.metanexus.net/>

- **Olson, D. H. (2000).** Circumplex Model of Marital and Family Systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144-167.

- **Olson, D.H., Gorall, D.M., & Tiesel, J.W. (2004).** FACES IV Scales. Life

Innovations Inc.<http://www.facesiv.com/home.html>

- **Pargament, K.I., Koenig, H.G., & Perez, L.M. (2000).** The Many Methods of Religious Coping: Development and Initial Validation of the R-cope, *Journal of clinical of psychology*, vol, 56. No,4. 619-543.

- **Parelkar, M. S. (2005).** The Role of Self-Worth, Social Support, and Family Religious Environment in Children and Adolescents' Religious Coping following Residential Fires. *Master of Science; faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University.*

- **Rogers, M. B., & Loewenthal, K. M. (2003).** Religion, identity and mental health: Perceived relationships within a multi-dimensional framework, *Social Psychological Review*, 2003, Vol. 5 No.2 – pp.43-81.

- **Regnerus, M. D., & Burdette, A. (2007).** Religious Change and Adolescent Family Dynamics. *Sociological Quarterly*. Vol. 47, Iss. 1; pg. 175.

- **Ritchie, T , .Sedikides, C., Wildschut, T., Arndt, J & ,Gidron, Y. (2010).**(Self-concept Clarity Mediates the Relation between Stress and Subjective Well-being .*Self and Identity* ,vol, 1. first published article.1-16.

- **Schottenbauer, M. A. , Dougan, B., Rodriguez, B. F., Arnkoff, D. B., Glass, C. R., & Holland, L. (2006).** Attachment and affective resolution following a stressful event: General and religious coping as possible mediators. *Mental Health, Religion & Culture* December 2006; 9(5): 448–471.

- **Sizelove, D. (2007).** An Investigation of Psychological Factors Associated with Religious Involvement. *a Dissertation to the Auburn University degree of Doctor of philosophy.*

- **Tokar, D.M., Withrow, J. R., Hall, R. J., & Moradi, B.. (2003).** Psychological Separation, Attachment Security, Vocational Self-Concept Crystallization, and Career Indecision: A Structural Equation Analysis, *Journal of Counseling Psychology*, Vol.50, No.1, 77-102.

- **Vanden Heuvel, A. R. (1985).** Faith Development and Family Interaction (Religion, Family System, Theory. Ph.D., *The Union for Experimenting Colleges and Universities*, 156 pages; AAT 8528760.

- **Warner, H. L. (2006).** Spiritual Appraisals and Religious Coping Exploring New Dimensions of Late Adolescents' Experiences of Parental Divorce, *A Dissertation to the College of Bowling Green State University for the degree of Master of Arts.*